

## فارابی و شهرسازی

### مقدمه:

در میان اندیشمندانی که از شهرو جامعه شهری و شهر آرمانی سخن گفته اند و تاریخ بر بارز بودن آنها و ممتاز بودن افکارشان مهر تأیید نهاده و هریک از آنان را در موضعی جداگانه قرارداد و برای هر کدام هویتی مخصوص را شناخته است. اما فارابی موقعیت ویژه ای دارد او در میان اندیشمندانی که از افلاطون تا اواخر قرن گذشته میلادی به جامعه شهری پرداخته اند و طرحی برای آن ساخته است که به لحاظ جداگانه ایی به صورت مستقیم به مدینه فاضله خود نپرداخته و جامعه ایی که بخواهد به کمال برسد طرحی برای آن پیشنهاد می کند که از دیگر جوامع آن را متمایز می داند. در مدینه فاضله فارابی به کیفیت اجتماعی و اداری به صورت کامل و به نحوی که دست پرورده معلم ثانی بوده به شکلی مجزا اشاره می کند ولی زمینه را برای شناخت فضایی مکانی که آن کیفیت اجتماعی اداری درون آن تحقق یابد دست نمی زند.

اگر بخواهند نظریه فارابی را با آگوستین، توماس مور و شارل فوریه که به عنوان سر شناس ترین اتوپیست هاستند مقایسه کنند می تواند به عنوان ایراد ی بر نظریه فارابی دانست.

در این جا ابتدا اندیشه فضایی مکانی را از نظر فارابی می خواهیم بشناسیم و سپس عوامل و عناصری که به کمک آنها می توانیم تقارنهای تضادهای، تشابهات و تفاوتهای این دانشمند را با سایرین در زمینه محدوده ی شهری و جامعه ی شهری ایده آل بررسی نماییم. از این نظری می توانیم فارابی را به عنوان چراغی که به نور آن داده ها را و از نور آن بنایه هارا تشخیص دهیم اندیشه فارابی را بشناسیم.

به طور کلی اندیشه های فارابی را می توان به سه دسته بدین نحو تقسیم نماییم:

اول- فارابی و چگونگی های تفکر و توجه او به فضای مکانی

دوم- موقع و تعلق های فارابی به مکانها و اندیشه ها

سوم - نظرات فارابی در زمینه شهروندان و شهر آرمانی

-در مسئله اول به بررسی تأیید و توجه فارابی به مسائل ویژه در زمینه فضای مکانی بررسی می کنیم که هدف قرار دادن این دانشمند با دیگر اتوپیست هایی است که از این دیدگاه به شهر و جامعه شهری توجه کرده اند.

-در مسئله دوم به منظور تأکید بر زندگی وی در مجموعه پدیده های زمانی مکانی مطرح شده در زمان حیات او که ریشه در گذشته و دید به آینده دارد بررسی می کند.

-در مسئله سوم به منظور بازشناسی اندیشه های فارابی در زمینه تحرک اجتماعی است.

## اول - فارابی و چگونگی های تفکر و توجه او به فضای مکانی

در ابتدا برای اینکه به نظریات فارابی آشنا شویم بحث را با توصیف شعر و موسیقی آغاز می کنیم که به دو شیوه اصلی بررسی می شود:

اول، توصیف شکل ظاهری ساختمانی به هنگامی که یک قطعه شعر یا نغمه بی در شکل پایان یافته خود مورد مطالعه قرار می گیرد.

دوم، توصیف چگونگی شکل گیری شعر و توصیف چگونگی شکل گیری موسیقی.

این دوشیوه در حقیقت به کمک یکدیگر بیانگر چگونگی های فراورده های انسانی هستند زیرا اولی خصوصیات ظاهری هنر و دومی روند خلق هنر را بازگو می کند که به روند توصیف این دوشیوه از نظر فارابی درباره ی فضای مکانی ذهن را آماده میکند می پردازیم.

### شیوه اول:

آهنگها در مقام مقایسه به قصیده و شعر شباهت دارند در یک شعر حروف عوامل اولی به شمار می روند که از آنها سبب و وزن تشکیل می شود از سبب ها و وتدها اجزای مصراع و از مصراع ها بیت ساخته می شوند.

همچنین در مورد ساختن آهنگ در موسیقی تنها عوامل اولی آهنگ هستند و نقش حروف را در شعر دارد، تنها کم و بیش کشش داری هستند که درجه های زیر وبمی آنها مختلف است. فارابی در مورد موسیقی نظری بدین نحو اظهار می کند که مطالعه موجودات موسیقی هدف اصلی موسیقی نظری است چه به طور طبیعی و چه به صورت مصنوعی حاصل آید. تا اینجا هرچه گفته شد در زمینه هنر و موسیقی نظم و ترتیبی خاص در شکل دادن به یک فراورده هنری لازم و مورد تأیید می باشد که این نظم و ترتیب از نظر فارابی ((صناعات مدنی و عملی)) قرار می گیرند و این همان علم حیل است.

از آنجایی که علم حیل در ساخت فضای کاربردی در مقیاس مختلف به ما کمک می کند پس بدین نحو تعریف می شود:

علم حیل عبارت است از شناختن راه تدبیری که انسان با آن بتواند تمام مفاهیمی را که وجود آنها در ریاضیات با برهان ثابت شده است، بر اجسام خارجی منطبق سازد و به ایجاد وضع آنها در اجسام خارجی فعلیت بخشد. بنابر این در مجموع، مطابق نظر فارابی با تعریفی گذرا از شعر کمک گرفت: گفتار شعری سخنانی است که از کلماتی ترکیب می شود که خواص آنها برای شنونده در امری که مورد گفتگو است، حالتی از تخیل را ایجاد می کند یا چیزی را برتر از آنچه که هست یا فروتر از آنچه که هست جلوه می کند و این در مورد توصیف زیبایی، زشتی، شکوه مندی، خواری و... تصدیق می شود.

در نتیجه از این دیدگاه به آثار هنرموسیقی نه از جهت مفاهیم بلکه از جهت فن نگریسته شده: که هر اثر موسیقی و هنری به شرط پیروی از قواعد به تکامل رسیده بدون توجه به چگونگی های چند و چونی که تأثیرگذاری هایش بر شنوندگان مورد ارزیابی قرار می گیرد.

## شیوه دوم:

در شیوه دوم به دلیل متکی بودن به ضابطه ها ، معیارها و ارزش های موجود در محیط اجتماعی انسانها دارای پیچیدگی های خاصی است که در طول روند شکل گیری یک خلق یا اثر هنری گذر هنرمند از سه عالم الزامی است: اول عالمی که از سوی هنرمند تجربه شده ،دوم عالمی که هنرمند قصد بنایش را دارد ، سوم عالمی که هنرمند شخصاً در آن زندگی می کند و تجرید و تجربه های آن به نوع اثر او تأثیر می گذارد وابسته است ،البته عوالم ها در فردی با فرد دیگر برابر نیست مانند عوالم مولوی ،شمس ،عطار ،نوابی و....

شیوه دوم نگرش به آثار هنر موسیقی مستلزم شناخت داده هایی است که بیشتر در نظر موسیقی شناسان منتقد و مفسران شناخته شود و پی گیری می گردد،البته ساختن یک آهنگ توسط هنرمندی صورت می گیرد که قادر به قضاوت اثر خویش باشد دارای وجوهی مشابه با ساختن آهنگ به صورت فی البداهه از سوی هنرمند موسیقی سازی با همان قدرت و تبحر است البته بدین معنی نیست که بدیهه سرا نه از نظر مقام و مسئولیت سبک تر از دیگران است بلکه هر کدام به سه مرحله ضروری از نظر فارابی باید واقف باشند این سه مرحله عبارتند از :

۱- شناسایی کامل اصول آن علم

۲- توانایی استنباط نتایج حاصل از آن اصول در عوامل موجود در آن علم

۳- توانایی تشخیص نظریه های اشتباهی به منظور جدا سازی صحیح از غلط و اصلاح آنها.

آنچه تا بحال برداشت شد این است که فارابی انجام بسیاری از وظایف را در عالم احساس و اندیشه به عهده تصویر می گذارد که در نقل و جذب و گسترش تأثیر گذار است و این اندیشه ها و آثار هنری ذهنی مطابق نظریه فارابی به دو قسمت اصلی ذهن انسان می تابد: یکی اندوخته و ظرفیت های مربوط به تخیل دوم زمینه های تعقل.

بنابر این تصویر از دو طریق به فضای سه بعدی راه می برد که خود مستلزم زمان است:

اول این که عنصر مطرح شده در تصویر اگر بخواهد چه از راه اتکاء به خصایص شکلی، و چه از راه به خصایص مفهومی برانگیزنده ذهنیات باشد معمولاً کمتر به صورت نمادی در زندگی روزمره انسانها جایی را اشغال می کند یعنی سه بعدی است هم از داخل خود و هم از خارج دیده می شود و یا از هر سو و جهتی می تواند بر اساس تجارب روزمره زندگی فردی و جمعی تجربه شود.

دوم اینکه: خود تصویرهایی که یکی پس از دیگری در طول یک نمایش موسیقی عرضه می شوند که مبتنی بر زمان هستند و می دانیم که زمان بدون ظرف مکانی اش موجودیت ندارد، پس آن تصویری

از موسیقی که مورد نظر فارابی است متکی بر خصایص زمانی مکانی است در نتیجه نمی تواند از فضای مکانی گسسته باشد بدون فضای مکانی تحقق یابد و بدون اتکا به آن مفهومی ندارد. بنابر این در هر دو شیوه ایی که در توصیف موسیقی مورد نظر فارابی به فضا به عنوان یک عامل اساسی در دریافت و شناخت پدیده ها و تعیین کننده یی مهم در تدوین و تصنیف آثار توجه می کند. بدین نحو عقل فعال هم از نظر فارابی بدینسان است.

### دوم-موقع وتعلق های فارابی به مکانها واندیشه ها

شهر ایده آل فارابی شهری است که ساکنانش ((کوسموپولیت)) اند یعنی این که فارابی به ((شهر جهانی)) اندیشیده که در آن امت های گوناگون زندگی میکنند...دوم اینکه مبانی فکری فارابی مکانی گسترده تر از دیار متنوع مورد زیست او و به زمانی پهناتر از عمر او متعلق است. درباره مطلب اول دو نکته حائز اهمیت است:اول اینکه معلم ثانی شهری را در محدوده فضای مکانی محدود شده و یا مترادف با شهر به معنای متعارف آن نمی داند و تا آن اندازه وسیع می پندارد که در آن اقوام و ادیان متنوعی در حال تلاش و تعالی می بیند شهر آرمانی فارابی به عبارتی دیگر نه خاص یک قوم ،نه زیر لوای یک دین و نه تحت بینشی واحد است که مدینه فاضله فارابی شهری است جهانی که در ابعادی فرای دکترین های وابسته به انسانهای یکجانشین و متشکلی که درقید این دو عامل کیهانی زندگی می کنند طرح ریزی شده است.

در باره مطلب دوم اینکه نیاز به دانستن رابطه های فکری موجود میان فارابی و اندیشه های طرح شده و اشاعه یافته قبل از او ضروری است که تدوین فضای زندگی به ترتیبی است که بتواند همزمان ،آن اندازه از فراخی اندیشه عمومی برخوردار باشد که به تک تک انسانها به عنوان موجودی در تحول مستمر و پذیرای جهت ها و ابعادی غیر قابل پیش بینی جایی مناسب دهد.فارابی در ارائه زندگی شهروندان خوب به اسفار اربعه می اندیشید .

از سوی دیگر فارابی به زمان در ارتباط با حرکت توجه می کند و حرکت در این جا منظور حرکت جسمانی است که در فضای مکانی محدود صورت گرفته است،منظور از حرکت پس از گذراندن زمان در حقیقت از میان رفتن خستگی حاصل از حرکت است که به اصل فیض و فیضان در ادبیات فارابی وجود دارد که در جای خود بررسی می شود.

### سوم-نظرات فارابی در زمینه شهروندان وشهر آرمانی

شهر نهادی است اجتماعی مبتنی بر سرزمین.در این نهاد چگونگی های تشکل شهروندان به همان اندازه پرمعنا و در سرنوشت فرهنگی - اخلاقی مردم تعیین کننده است که در شرائط اقلیمی و جغرافیایی است با این تفاوت که انسان به وسیله تشکل و تجهیزمی مناسب می تواند از میزان تأثیرگذاری های جغرافیا برخلق و خوی و رفتارهای اجتماعی خویش بکاهد.

شهر مکانی است محیط بر انسان، و به نوبه خود محاط سرزمینی گسترده و کم و بیش مشخص، و این نیز چه در حیثیت های اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و مدنی و حیثیت هندسی کیهانی اش محاط است. این اصل که شهر نهادی پویاست، نزد فارابی شناخته شده بود و این اصل که شهروندان در تعیین سرنوشت خویش و تعیین ویژگی های شهر خود مشارکت داشته باشند از بدیهیات به شمار می رفته، اما این که چگونه باید شهر را هدایت کرد و چه اهدافی را برای این کار در نظر گرفت نه تنها در نظر فارابی بلکه بسیاری از صاحب نظران دیگر شکافته نشده بود و شاید این از ایرادتی بر نظر فارابی باشد.

در هر صورت محیط های اجتماعی پر تحرک، حفاظ های فردی و انگیزه های تحلیل و غور علمی و وسایل و ابزار فکری بیشتر و گاه مناسب تری را برای افراد زبده فراهم می کند عصر فارابی را عصر آغاز رویش گسترده تری برای فرهنگ ایرانی می توان شناخت. فارابی با ارائه منظومه فکری در زمینه شهر آرمانی و فضا به موضوعاتی از این قبیل می پردازد:

- ۱- موقع شهرنشینان در جامعه فردی
- ۲- موقع شهرنشینان در گستره ی شهر و جامعه شهری
- ۳- تبادل و گردش اندیشه نزد شهرنشینان
- ۴- نظام رابطه های میان فردی و اجتماعی در مدینه فاضله
- ۵- نقش فضای مکانی در تحولات اجتماعی از دیدگاه فارابی

### ۱- موقع شهرنشینان در جامعه ی فردی

انسان و انسان یکجانشین و متشکل به ویژه نزد فارابی موجودی است متحول که به دلیل عوامل درونی و ذاتی اش و عوامل مهم برونی در حال دگرگونی است. انسان که از دیدگاه فارابی نیل به سعادت بدون تعاون دیگران امکان پذیر نیست که رسیدن به درجه متعالی در شرایط زندگی جمعی قرار می دهد.

در رده بندی شهرها نزد فارابی رده بندی انسانهای یکجانشین - و در زمینه اجتماعی متشکل و مستقر است، که جهت های متضاد و متأخری دارند که متأثر از عوامل اقلیمی و زیستی و... و قوه تخیل است که در رفتار انسان تأیر می گذارد فارابی معتقد است هیچ فردی از افراد آن نیست که برای خدمت به نوعی دیگر آفریده شده باشد به جز نوع خود و هیچ فردی از افراد نوع او و هیچ عضوی از اعضاء افراد و آلت و ابزار هیچ نوعی دیگر از موجودات نمی باشد... که می تواند او را به کمال یا رذائل برساند و آن را حا طب لیل یا رئیس اول مدینه فاضله می کند. بنابر این در شکل گیری شخصیت انسان از سه جهت توجه می شود: عقل فعال، تعلیم و تأدیب و فطرت سالم. در مجموع می توان گفت که انسانهای اهل مدینه فاضله همه در راه کمال حرکت می کنند و هر یک از آنان دیرتر یا زودتر از دیگری به نقطه مادی یا معنوی دست می یابد و این امر خود

برانگیزنده حرکت‌های فردی بعدی می شود و کار را به تعالی متوالی در بطن نظام پیش بینی شده می کشد، نظامی که جز به خدا نیاندیشد و جز در بستر خلق زندگی نکند.

## ۲- موقع شهر نشینان در گستره شهر و جامعه شهری

تا اینجا متوجه شدیم که انسان بدون مشارکت و تعاون و نظم و ترتیب خاص به مدینه فاضله فارابی نخواهد رسید و انسانهای مدینه فاضله فارابی تابعی از سه عامل اصلی هستند: ۱- دنیای درونی ۲- عامل مؤثر بر انسان ناشناخته حکومت می کند ۳- عوامل اجتماعی.

-عامل اول دنیای درونی آنان است که تحت تأثیر مستقیم عقل فعال است و آنان را به سویی می برد که با استعدادهای شخصی و غرایز شان متناسب است و زمینه فردی - ذهنی سوق می دهد که در چهار چوب نظام مدنی متعالی است.

-عامل دوم، دنیایی است که ابعاد عوامل موثرش بر انسان ناشناخته است و بر او حکومت می کند. برداشت دکتر سید جعفر سجادی در مدینه فاضله چنین است: نظام جهان ماوراء طبیعت حاکم بر نظام جهان است و نظام طبیعت حاکم بر نظام آفرینش انسان است و نظام اجتماعی و سیاسی خواه ناخواه باید تابع و پیرو نظامات طبیعی و شهری باشد.

-سومین عامل وضع انسانهایی است که گرد هم می آیند تا درجات تعالی را به اتفاق یکدیگر طی می کنند که نظام اجتماعی آنان است.

بطور کلی مرکز مسکونی جامعی که به دست فارابی ساخته می شود، مجموعه اجتماعی و انسانی پویایی است که از لحظه ای معین، یعنی پس از تقبل نظام حکومتی که پذیرفته، راه تعالی را پیش می گیرد و شهروندان خود را از طریق اتفاق و اتحاد رهگذران همان راه می گردانند. در طول این راه برای رسیدن به شهر آرمانی انسانها همگی هم عقیده و راسخ هستند، اما در میزان و اعتقاد و راسخ بودن توان افراد نابرابر.

در این شهر برابر اصولی هست و تفاوت نیز، عزم راسخ در رسیدن به مقصد هست و عدم توانایی در رسیدن به آن. آنان برای تصور و تصدیق دو معنای متفاوت قائلند و در تصور مدینه فاضله خود خواه ناخواه به تصویرهایی از فضای مکانی و طبیعت و به تصویرهایی از فضای اجتماعی و از فرهنگ رابطه های میان - فردی و اجتماعی دست یافته اند که طبیعتاً به گونه ای مطلق و برابر و قابل انطباق با یکدیگر نیستند.

## ۳- داد و ستد و گردش اندیشه نزد شهر نشینان

وضعیت بالفعل و بالقوه ی انسانها در لحظه تصمیم گیری که جنبه همگانی است نابرابر و از چند نقطه نظر برای فارابی مشخص بوده است:

-نخست تحلیل هایی که خود در این زمینه انجام داده و نظریه هایی که در زمینه کمی و کیفی رشد مستمر و متغیر و متحول انسانها ارائه کرده است.

-دوم اعتقاد فارابی به تعلیم و تأدیب که نشان دهنده اعتراض وی به وضع موجود است.

-سوم آشنایی فارابی با نظریه هایی است که به دست افلاطون بیانگر شرح سقراط بوده و پایه های حکومت دموکراتیک را نشان داده است.

به گفته استاد مشکوه الدینی سه چیز را، فارابی به یکدیگر ربط داده است. آن سه چیز فلسفه، امامت و حکومت ارشادی نسبت به افراد یک مملکت است.

مدینه فاضله فارابی برای شهروندان مستلزم داد و ستد و گردش در فضایی صورت

می گیرد که از انسان آغاز می شود به جماعت انسانی مرتبط است و پس از رسیدن در نهایت پاک و نور مطلق است، باز به انسان باز می گردد تا به خلاق بیوندد.

در حقیقت طی طریق انسان آرمانی فارابی در ((اسفار اربعه)) راهی نیست که بدون توشه های فردی و معنوی اجتماع پایان پذیرد. به عبارت دیگر در شهر آرمانی فارابی هیچ چیز در حال سکون نیست نه اندیشه ها، نه انسانها و نه اجسام. این حرکت در زمان استمرار دارد و در مکان عمومیت می یابد که در راستای سعادت و دستیابی به روشنائی مطلق به همین دلیل فارابی کره مسکونی را در مقطعی خاص از مجموعه فعل و انفعالات منظمی قرار می دهد که نظام هادی آنها به عنوان فیضان شناخته شده. نوری که از قطب حرکت می کند تا به سیاهی مطلق برسد، نوری که از هر چیز عبور می کند و هر چیز در حال

حرکت نمی تواند با آن بدون برخورد بماند. شرط اصلی در انجام یافتن چنین روندی دوری جستن از قید و بندهایی است که زمان و مکان برای جماعات متشکل یا نیمه متشکل و یکجانشین به وجود آورده است. مکان و زمان یا عوامل اصلی تعیین کننده ابعاد موقع و موضع جامعه بشری در تصویرها و اندیشه های آرمانی دیده می شود.

#### ۴- نظام رابطه های میان فردی و اجتماعی در مدینه فاضله

نظام اجتماعی خاصی که فارابی خواستار استیلاش بر جامعه شهر آرمانی خویش است از دو سو به دو جهان دیگر وابسته است: در یک سمت آن جهان طبیعت بی کران است که طبق تصویرهایی ارائه شده فارابی چیزی ملکوتی - افلاکی است و تا ابدیت ادامه دارد، در سمت دیگرش انسان یا مجموعه زیستی به ظاهر کوچکی که در صورت تجلی آنچه از طبیعت یافته و تحصیل آنچه در دسترس دارد، خود به عالم کوچکی بدل می شود، تجلیگاه ذات خداوندی. در مدینه فاضله فارابی، انسان موجودی است که در لحظه ای کوتاه از حال عادی و یا در لحظه ای که می توان فرض کرد همه چیز در حال سکون است می تواند خواسته ها و توان های خود را به یکی از دو عالم و یا به هر دو عالم توجه دهد.

حال متوجه شدیم که مدینه فاضله فارابی از نظام اداری مستحکمی برخوردار است که تعاون را اهرم نیل سعادت قرار می دهد و ائتلاف، ارتباط و انتظام را وسیله سوق دادن همه شهروندان به

مرتبه‌هایی است که باید توسط خود آنان پشت سر گذاشته شود که این مقام در رأس خود دارای رئیس نخست است که خادم هیچ کسی نیست، و به تدریج در مراتب بعدی کسانی قرار دارند که مرئوس مادون خود نخواهند بود. در این شهر هرکس جای خود را دارد و دستیابی به این جا تنها در رابطه با مجموعه خصایص کالبدی - طبیعی صورت نگرفته است بلکه بر عکس، بر اساس خصلت‌هایی است که بیشتر متکی بر معانی و آگاهی است، در استقرار شخص در جایی خاص از سلسله مراتب مستتر در مشبک فضایی جامعه آرمانی فارابی مداخله داشته است در فضای ارتباطی منسجمی که فارابی پیشنهاد کرده جای انسانها ثابت است اما نه ((خود)) آنها.

رئیس مدینه فاضله وقتی شایان درجه خواهد شد که دارای دوازده خصلت باشد: تندرست باشد، قدرت فهم و تصور نیکو داشته و هرچه را که می‌فهمد و درک می‌کند به خاطر بسپارد، زیرک و هوشیار باشد، خوش سخن باشد، دوستدار تعلیم و تأدیب باشد، در خوردن و آشامیدن و زن حریص نباشد، دوستدار راستی و دشمن دروغگویان باشد، بزرگوار و دوستدار بزرگواری باشد، درهم و دینار در نظرش بی مقدار باشد، دوستدار دادگری و دشمن ستم و مردم ستم پیشه باشد، شخصی میانه رو و اراده‌ی نیرومند داشته باشد.

اگر یک نفر دارای تمام این صفات نباشد می‌توان مدیریت شهر آرمانی را به صورت چند نفره‌ی بی‌حیث اعتبار تخصصی تقسیم و تفکیک مسئولیت در امور اداری - حکومتی ارشادی انجام گیرد.

به طور کلی مقام رئیس نخست دارای دو شرط اصلی است: اول قرار گرفتن در مسیر مهر ایزدی به معنای ملحوظ بودن از جانب خداوند که به میزان معین و تحت تابشی خاص هر یک از شهروندان و همه شهروندان را از ((فیضان)) الهی برخوردار می‌کند.

دوم دستاوردی که بیشتر خاکی و روزمره است و آن قدرتی است اکتسابی که نقطه‌ی زایش آن در فرد است ((تحصل)) زاده خواسته‌های فردی است و می‌تواند اصل مدینه را در همان مسیری قرار دهد که نور حق در حرکت است.

روابط میان فرد و اجتماع برحسب خصایص هرمی شکل می‌گیرد که ((مشبک فضایی)) این هرم را می‌سازند و در مسیر این دو جریان فیضان و تحصیل قرار می‌گیرند.

## ۵- نقش فضای مکانی در تحولات فردی - اجتماعی از دیدگاه فارابی

وجود دو نوع فضای مکانی در لابلائی نظریه‌های فارابی ارائه شده: نوع اول فضای زندگی روزمره یا محیط طبیعی - مسکونی مردمان است و نوع دوم فضای تجربی آنان.



فارابی با یادآوری این نکته که تشکیل مدینه، نخستین مرتبه کمال است برای نوع انسان به این شهر مبنای اصلی یا واحد اولیه تشکیلاتی - سازمانی است که بر روی سرزمین های مسکونی در جماعت های بزرگ و عظیم، میانه و کوچک استقرار یابد و فقط در سطح این واحد است که جمعی از مردمان می توانند زیر پوشش مدنی گردهم آیند یا یکجانشین و مستقر شوند.

نوع دوم فضای مکانی مورد نظر فارابی تنها به گونه ایی غیر مستقیم به نوع اول ارتباط پیدا می کند و فقط از راه تحقق پذیرفتن پدیده هایی که امروز مردم شناختی و روانشناختی فرهنگی و یا خلاصه تر جامعه شناختی خوانده می شود به وجود می آید و در حرکتها و انتخاب های فردی اهل مدینه فاصله اثر می گذارد و خصوصیات ساکنان مدینه فاصله خصوصیات عمومی انسانی - طبیعی مردمان است. بنابر این نوع دوم فضایی که نزد فارابی می توان شناخت نه موجودیت عینی فضای مکانی زندگی که فضای مکانی تجریدی مشتق از آن است که به اعتبار فعالیت های کم و بیش آزادانه قوه تخیل شکل هایی متفاوت از آنچه از پیش دیده شده پیدا می کند و در ماهیت همان است که در ترکیب تصویرهای تجریدی که از فضای مکانی واقعی - تجربی به مفهوم های ایده آل و شکل های آرمانی ارتباط اجتماعی و مدنی به سلسله مراتبی موآزادی گرا در روابط اداری و حکومتی به شکل های دلخواهی از محیط زیست جامع خود توجه می کند.

از نظر فارابی در جهت متعادل کردن فضای اجتماعی افراد شهر آرمانی خود، از یک سو تعاون و از سوی دیگر شناخت تعمیم یافته را الزامی می داند.

بنابر این در چنین مواردی چه به نحوی که فضایی موجود و یا با مثالها و حکایات در حقیقت امر، چیزی جز تصور کردن تصویرهایی از معانی جدید و ناشناخته زندگی مدنی انسانی در محیط طبیعی - کالبدی او نیست «ارتسام» گفته می شود.

نمودن معانی و مفاهیم فرهنگی، مدنی و آرمانی در محیط جامعی که هنوز تجربه نشده بدون کمک گرفتن از معیارها و ضابطه ها به فضای مکانی که نظام مدنی جدید را در رابطه با نزدیکی ها و دوری ها و فواصل می شناسد میسر می کند «مرتسم» گفته می شود. که این دو نوع فضا در زندگی روزمره مکانیکی همیشه با یکدیگر ممکن است پیوندی مستقیم نداشته باشند ولی در زندگی مشروط و مبتنی بر اندیشه و بر تحرک اجتماعی انسانها با یکدیگر در آمیخته می نمایند.

### نتیجه:

در مجموع می توانیم از تجربه دیروز فارابی در جامعه ایرانیان باستان به این نتیجه برسیم که معرف مقطعی خاص از زندگی انسانهای منطبتی است که در نقاط مختلف از یک شبکه فضایی هرمی شکل جایگزین شده اند و ارزشهای معنوی - الهی و فرهنگی - اجتماعی اعتباری، اساس و حکمت این هرم را تضمین می کند و خاستگاه های این نظام در زمینه تعالی انسانها در جهان مادی و معنوی، در محدوده هر طبقه اجتماعی، هم آرمانی و هم دست یافتنی می نماید.

((خوره)) که در وجود نهاد آدمی است و از راه تحصیل و فیضان به دست آمده نقش طراز اول را دارد و در سخاوت یک سویه خداوندی تحقق پذیر است و در جامعه ایران باستان پادشاه به عنوان رئیس

نخست می باشد البته بدون طی کردن از فیضان و تحصل که بدون تعلیم و تأدیب به این منصب رسیده اند در صورتی که جامعه آرمانی فارابی کسی با این روند به منصب نخواهد رسید .  
جامعه ایران بر پایه سه مؤلفه عمل می کنند: اندیشه، حکومت، مشارکت مردمی.

**اندیشه** زاده نیازها و متأثر از رویدادها بر روی زمین است، **حکومت ها** ابزار فکری خاصی ندارند و متکی به اندیشه هستند نه الزاماً همیشه زاینده اندیشه، **مشارکت مردمی** در تولید اندیشه و در حکومت به عنوان امری تلقی می شود که میزان تحرک اجتماعی و پیشروی متعالی فرد و جامعه را باز شناخت و به روح جامعه پی برد و به دیدگاههای آرمانی نزدیک شد یا بالعکس رو به انحطاط و نابودی سیر کند.

در ایران باستان در اواخر دوران ساسانی اندیشه و حکومت دو مسیر متفاوت را طی کرده اند مقایسه فرمانروایانی چون خواجه نظام الملک، رشیدابن فضل اله همدانی و شاه عباس صفوی نشان می دهد که هر سه به حکومت تک مرکزی و قدرتمند اعتقاد داشتند تا سرزمین های پراکنده و آزادی پرور را بدون توجه به خوبی یا بدی به زیر چتری واحد در آورند.

در این سه مقطع سرنوشت ساز در فردای فارابی، فردها به جای نظام ها پذیرفته شدند که در این مقاطع تاریخی که به حکومت رسیدند به تدریج مردمان را بیشتر عادت دادند تا در کناری بایستند و به فرد قدرتمند یا حاکم حکیم چشم بدوزند به طور خلاصه شهر دیروز فارابی در سرزمین دوره هخامنشی و ساسانی در ایران شهری بود که معمولاً از تقسیم بندی طبقاتی جامعه پیروی می کرد. رؤسای ملک و دینیاران و رزمیاران ساکنان اصلی آن بودند و پیشه وران و صنعتگران به دنبال رشدی کند ولی پیگیر و منظم در آن ساکن شدند.

روال شهری زیستن در زمان هخامنشیان خطی و بی مسأله بود و در مسیری مشخص حرکت می کرد.

دو شیوه متفاوت اندیشیدن به فضای مکانی، زاده دو اندیشه اصلی شکل گیری شهرهای دیروز ما را تحقق بخشیده اند: اول اندیشه ای که فضای مکانی را یک پارامتر کاربردی می داند و در شکل دادن به آن به چشم منفعت می نگرد دوم این که اندیشه ای که فضای مکانی را از آن هنگام که مورد شناخت انسان قرار می گیرد و انسان در آن مداخله

می کند دارای ابعاد کیفی انسانی قراردادی می داند و شهر ایران در طول قرون فردای فارابی بر این دو اصل اندیشه پایه ریزی شد.

میدان برخورد مداوم دو نیروی اندیشه و حکومت است و هرگاه خواسته با اتحاد و همکاری حکومتی را برانداخته و اندیشه ای نو به وجود آورده مانند استقلال از افغانها، و بقایای تیمورها و مغولها یا اینکه با برداشتن شاه از اریکه حکومت و وزیرایش نشان از حرکت دو سویه را کردند از هرم تا رأس و بالعکس.

در مجموع اندیشه سیر رویداد فارابی را می توان این چنین خلاصه کرد:

۱- سیر تجربه دموکراسی در یونان از قرن ششم پیش از میلاد که به مردم سالاری و ارزشهای انسانی ریشه داشت.

۲- اندیشه های کهن ایرانی شکل اداری خالص و الهی انسانی را برای جامعه ایده آل خود معرفی می کند.

۳- پایان یافتن حکومت هخامنشیان و قدم گذاشتن اسکندر به سرزمین ایران در قرن چهارم قبل از میلاد.

۴- افلاطون شاگرد سقراط شهر آرمانی خود را در محیطی تدوین کرده که سر خورده از تجارب شکست خورده دموکراتیک.

۵- در جمع بندی تجارب گذشته باز سازی کشور ایران پس از پادشاهان اشکانی، توانهای اسطوره ای و توانهای موضعی حکومت های دور از مرکز گسترش یافته بودند.

با این بحث ها می توان نتیجه گرفت که تبادل نظرهایی میان سران ودینیاران و رزمیاران صورت گرفته که موضوع اصلی اش پدیده های روزمره مردمی و مسیر حرکت اینها بوده است.

با تأملی در سیر اندیشه فارابی از گذشته تا فردا می توان به سیر اندیشه شهروندی در ایران رسید.

منبع:

- فلاسفی منصور ، فارابی وسیر اندیشه شهروندی در ایران ، نشر نقره . تهران سال ۱۳۶۷.